

موانع سرمایه‌گذاری و کسب و کار در مناطق مرزی روستایی ایران

ولی اله رستمعلی زاده*^۱ و قربان حسینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱

چکیده:

هدف اصلی این تحقیق، بررسی موانع سرمایه‌گذاری و کسب و کار در مناطق روستایی مرزی ایران است. در این مطالعه از ۳۸ مشارکت‌کننده که شامل کارآفرینان، فعالان و صاحبان کسب و کار روستایی مناطق مرزی کشور و همچنین مسئولان، مدیران و کارشناسان بخش امور روستایی و اقتصادی استان‌های مرزی کشور، به منظور جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با روش‌های تحلیل کیفی بخصوص روش تحلیل مضمون، تحلیل شده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که موانع سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی روستایی کشور، در چهار بخش اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، نهادی و کالبدی و دسترسی قرار دارند. در بخش اقتصادی، "دسترسی به تسهیلات و منابع مالی و اقتصادی"، "خام فروشی و نبود امکانات فرآوری محصولات تولیدی روستایی"، "مشکلات بازاریابی و دسترسی به بازارهای فروش" و "برجسته نبودن مزیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی/سیاست‌های تشویقی و حمایتی از تولید در مرز" قرار دارند. در بخش اجتماعی-فرهنگی، "بازدهی پایین و ضعف آموزش و توانمندسازی روستایی" قرار دارد. در بخش نهادی، "مشکلات نهادی و قانونی در خصوص کسب مجوزهای لازم و ناهماهنگی دستگاه‌های محلی و استانی"، "مشکلات مربوط به کمبود زمین و عدم تغییر کاربری اراضی"، "برجسته نبودن مزیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی/سیاست‌های تشویقی و حمایتی از تولید" و "بن بست‌های مرزی و مسائل بازرچه‌ها" قرار دارد. در بخش کالبدی و دسترسی، "ضعف در تسهیلات و زیرساخت‌های روستاهای مناطق مرزی به خصوص جاده‌های دسترسی" قرار دارد.

واژگان کلیدی: مناطق مرزی ایران، روستاهای مرزی ایران، موانع اجتماعی-فرهنگی، موانع سرمایه‌گذاری، موانع کسب و کار.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
v.rostamalizadeh@gmail.com و v.rostamalizadeh@psri.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و پژوهشگر موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، تهران، ایران.
ghorban.hosseni@gmail.com

Barriers to Investment and Business in Iran's Rural Border Areas

Valiollah Rostamalizadeh*¹ & Ghorban Hosseini²

Received: 2019-11-10

Accepted: 2020-04-20

Abstract

The main purpose of this study is to investigate the barriers to investment and business in Iran's rural border regions. In this study, 38 participants including entrepreneurs, activists and business owners of rural areas of the country's border regions as well as officials, managers and experts of rural and economic affairs of the border provinces of the country were used to collect data. The collected data have been analyzed by qualitative analysis methods, especially the thematic analysis method. The results of this study show that the barriers to investment in the rural border regions of the country fall into four socio-cultural, economic, institutional and physical sectors and access. In the economic sector, "access to financial and economic facilities and resources", "crude sales and lack of processing facilities for rural products", "marketing problems and access to markets for sale" and "lack of investment frontier investment / incentives and support policies of production on the border". In the socio-cultural sector, there is "low return on education and rural empowerment". In the institutional section, "Institutional and Legal Problems in Obtaining Necessary Licenses and Coordination of Local and Provincial Institutions", "Problems Related to Land Loss and Non-Change of Land Use", "Lack of Investment Benefits in Frontier Areas / Incentive Policies and Production Support Policies" "And" Border deadlock and market issues. "In the physical and access section, there is a "weakness in the facilities and infrastructure of border villages especially access roads".

Keywords: Iranian Border Villages, Socio-Cultural Barriers, Investment Barriers, Business Barriers.

1. PhD in Development Sociology, Assistant Professor in the National Population Studies and Comprehensive Management Institute, vali.rostamalizadeh@psri.ac.ir

2. PhD student of Demography and Research Assistant in the National Population Studies and Comprehensive Management Institute, ghorban.hosseini@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

استان‌های مرزی ایران دارای پتانسیل‌های مهمی در بخش‌های مختلف صنعتی و کشاورزی هستند و حدود نیمی از جمعیت کشور (۳۹ میلیون نفر) در این استان‌ها ساکن بوده (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که وسعت زیادی از مساحت کل کشور را به‌خود اختصاص می‌دهند. این استان‌ها از تنوع اقلیمی گسترده و موقعیت جغرافیایی مهمی برخوردارند. دارای استعدادهای فراوانی به‌صورت بالفعل و بالقوه در زمینه‌های گوناگون بخش‌های صنعتی و معدنی (نفت و گاز)، کشاورزی (زراعت و باغبانی، دامداری و ماهیگیری) و خدماتی (گردشگری) بوده که در صورت استفاده بهینه از این ظرفیت‌ها در حوزه‌های اشتغال‌زایی و امنیت غذایی کشور، می‌توانند در بهبود وضعیت موجود کشور و مناطق تأثیر به‌سزایی داشته باشند. با این حال مطالعات مختلف نشان می‌دهند که تاکنون استفاده درستی از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها صورت نگرفته و مسائل و مشکلاتی همچون بالا بودن نرخ بیکاری، قاچاق کالا، مهاجرت و ... در این مناطق را موجب شده است (امینی و همکاران، ۱۳۹۱؛ وحدتی‌پور و حیدری، ۱۳۹۳؛ عسگری و زبینه، ۱۳۹۳؛ پرنیان و همکاران، ۱۳۹۶). پاره‌ای دیگر از مطالعات نیز نشان می‌دهند که میان مناطق مرزی و مرکزی ایران عدم تعادل‌های اقتصادی وجود دارد (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ بهشتی و همکاران، ۱۳۹۷؛ صالحی، ۱۳۹۷؛ پوراصغر سنگاچین و همکاران، ۱۳۹۱؛ فتح‌اللهی و دیگران، ۱۳۹۶؛ عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸) که این موضوع نشانگر توسعه پایین این مناطق به نسبت مناطق مرکزی است.

یکی از دلایل عدم توسعه‌یافتگی مناطق مرزی کشور، مشکلات مربوط به سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار و کارآفرینی در مناطق مرزی است. همان‌طور که می‌دانیم رشد و توسعه اقتصادی مستلزم سرمایه‌گذاری (جلالی اسفندیاری و صمیمی، ۱۳۹۳؛ میرباقری هیر و سلاحورزی، ۱۳۹۵؛ حسین‌زاده بحرینی و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۰) و توسعه کسب‌وکار و کارآفرینی (رحمانیان کوشکی و همکاران، ۱۳۹۵؛ نجفی و صفا، ۱۳۹۳) است. تشکیل سرمایه عامل مهم و بنیادی در تحقق توسعه است، زیرا برای تولید کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و ایجاد خدمات زیربنایی که شرط لازم توسعه محسوب می‌شود، به سرمایه نیاز است (حیدری مکرر و احمدی، ۱۳۹۰: ۶۳). بنابراین توسعه و پیشرفت مناطق مرزی در حوزه‌های اقتصادی و حتی سایر حوزه‌ها، نیازمند سرمایه‌گذاری است. به‌عبارتی، رشد و توسعه اقتصادی بدون انباشت سرمایه‌گذاری، امکان‌پذیر نخواهد بود، به‌گونه‌ای که بیشتر متفکران، دلیل توسعه‌نیافتگی بسیاری از کشورها را کمبود درآمد، پس‌انداز و در نتیجه، سرمایه‌گذاری ناکافی می‌دانند. سرمایه می‌تواند بخش تولید را تحرک ببخشد و با افزایش تولید، موجب رشد تجارت، بهبود سطح زندگی مردم و رشد و توسعه اقتصادی شود (محمدپور زرنندی و طباطبایی مزدآبادی، ۱۳۹۱).

اما سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در هر کشوری مستلزم فراهم بودن محیط نهادی مناسب و امنیت‌بخش در آن کشور است. صاحبان سرمایه، سرمایه‌های خود را در کشوری به‌کار خواهند بُرد که علائم و نشانه‌های امنیت اقتصادی به‌خوبی در آن قابل مشاهده بوده (حسین‌زاده بحرینی و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۰: ۲۷) و اطمینان از آینده وجود داشته باشد. همچنین شاخص‌های قابل مشاهده چون اعتبارات بانکی، سطوح درآمدی، نرخ تورم و غیره در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشند (صامتی و فرامرز پور، ۱۳۸۳). سرمایه‌گذاران هنگام اخذ تصمیم برای سرمایه‌گذاری در یک منطقه یا یک جا علاوه بر معیار سودآوری به معیار امنیت سرمایه‌گذاری نیز توجه ویژه دارند. از این رو، جوامعی چون جوامع روستایی که به‌سختی امرارمعاش می‌کنند، دارای ریسک بالایی برای سرمایه‌گذاری در زمان‌های حال هستند، مگر اینکه تمام جوانب به نفع او باشد (حیدری مکرر و احمدی، ۱۳۹۰: ۶۳). همه این موارد به این نتیجه ختم می‌شود که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان هر جامعه باید به‌طور مستمر وضعیت امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در آن جامعه را «اندازه‌گیری» و کنترل کنند و بر اساس نتایج حاصل از این اندازه‌گیری‌ها، تمهیدات لازم را برای جذب سرمایه و همچنین جلوگیری از فرار سرمایه‌ها به کار ببرند (حسین‌زاده بحرینی و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۰: ۲۷).

با این تفاسیر، با توجه به پتانسیل‌های موجود در مناطق مرزی روستایی و همچنین عقب‌ماندگی‌های توسعه‌ای که این مناطق با آن روبرو هستند و با عنایت به اینکه «اکثر صنایع کوچک و متوسط کشور توسط بخش خصوصی اداره می‌شوند» (جلائی اسفندیاری و صمیمی، ۱۳۹۳: ۹۱)، ضروری است موانع احتمالی جذب سرمایه و ایجاد کسب‌وکار در مناطق مرزی روستایی کشور شناسایی شده تا در مرحله بعدی و اقدام، مانعی برای رشد سرمایه‌گذاری و کارآفرینی ایجاد نشود. بنابراین این مقاله به دنبال این است که موانع سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در مناطق روستایی مرزی ایران چه چیزهایی هستند، و برای رفع این موانع چه راهکارهایی می‌توان ارائه کرد.

مبانی نظری تحقیق

سرمایه‌گذاری در معنای کلی به معنای مصرف پول‌های در دسترس برای دستیابی به پول‌های بیشتر در آینده است. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری یعنی به تعویق انداختن مصرف فعلی برای دستیابی به امکان مصرف بیشتر در آینده (حیدری مکرر و احمدی، ۱۳۹۰: ۶۴). سرمایه‌گذاری یعنی صرف‌نظر کردن از هزینه پول یا دیگر منابع مالی در زمان حال، به همراه پذیرفتن ریسک مشخص یا نامشخص برای کسب سود در آینده. بنابراین در سرمایه‌گذاری دو ویژگی متفاوت و مهم وجود دارد که عبارتند از زمان و ریسک. اهمیت این دو موضوع به این علت است که در سرمایه‌گذاری، صرف پول در زمان حال صورت می‌گیرد و مقدار آن معین است، درحالی‌که پاداش حاصل از آن در آینده به‌دست می‌آید و معمولاً با عدم

اطمینان همراه است. در بعضی مواقع، ویژگی زمان غالب می‌شود و در بعضی مواقع ریسک از نظر اهمیت مقدم است و در مواقع دیگر هر دو دارای اهمیت هستند (ابزری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۲۶). سرمایه‌گذاری به‌عنوان موتور محرک رشد اقتصادی، لازمه نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی است. افزایش سرمایه‌گذاری به افزایش تولید، افزایش ارزش افزوده، افزایش درآمد، افزایش رفاه، افزایش اشتغال، کاهش نرخ بیکاری و کاهش فقر منجر می‌شود (دودانگی، ۱۳۹۵).

منظور از موانع جذب سرمایه‌گذاری نیز هر عاملی است که روند تشکیل و توسعه سرمایه‌گذاری در مناطق مختلف را تحت تأثیر منفی خود قرار دهد. اقدام سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری، در گرو پیدایش و وجود بسترهایی است و تا زمانی که این بسترها فراهم نشوند، سرمایه‌گذاری شکل نمی‌گیرد (میرباقری هیر و سلاخورزی، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

یافته‌های تجربی پیشین نشان می‌دهند که موانع ورود به کسب‌وکارهای روستایی در بازار کار خارج از مزارع و همچنین در فعالیت‌های مزارع پیشرفته زیاد است. این موانع شامل نیاز بالا به سرمایه، کمبود اطلاعات و مهارت‌ها و همچنین موارد مختلف هزینه‌های کسب و صدور مجوز هستند (کورال و ریردان^۱، ۲۰۰۱؛ ولدن‌هانا و اوسکام^۲، ۲۰۰۱). به‌علاوه خانوارهایی که مزارع آنها در مناطق دورافتاده قرار دارد به نسبت کشاورزانی که به زیرساخت‌های کافی و مناسب، بازارها و عرضه نزدیک هستند در وضعیت بدتری برای اصلاحات در بازار کار قرار دارند (هانویک و همکاران^۳، ۲۰۰۳). در مجموع در مناطق روستایی کشورهای فقیر، هزینه‌های معاملات در بازارهای سرمایه و اطلاعات، بالا است و اغلب نتیجه آن شکست بازار است. همچنین دسترسی به اعتبارات به‌دلیل فاصله فیزیکی و فرهنگی و عدم وثیقه (تهیه وثیقه مناسب) دشوار است و غالباً نرخ‌های بهره در طرح‌های اعتباری روستایی در مقایسه با شهری و بانکداری شرکتی، غیرمنطقی هست (نقل از کریستین سین^۴، ۲۰۰۷: ۵۶-۵۵).

این موارد نشان می‌دهند که مجموعه‌ای از عوامل در فرایند سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی (مرزی) دخیل هستند که برای بحث در خصوص آنها در این مقاله از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و نهادگرایی اقتصادی بهره برده شده است. جامعه‌شناسان با بسط مفهوم سرمایه اجتماعی به موضوع سرمایه‌گذاری وارد شده‌اند. سرمایه اجتماعی مفهومی جدید، پیچیده و مهم است که امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های توسعه در هر جامعه مطرح است؛ بدین‌معناکه شرط لازم برای پیشرفت جامعه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل (فرد-جامعه-دولت) است (سویزی و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). بنابراین یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر

1 . Corral & Reardon
2 . Woldenhanna & Oskam
3 . Havnevik
4 . Kristiansen

سرمایه‌گذاری، سرمایه اجتماعی است که می‌تواند سرچشمه بسیاری فعالیت‌های بازدارنده دیگر مثل ناامنی و بی‌نظمی باشد (همان: ۱۲۱). در نگاه بانک جهانی، اعتماد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، عبارت است از عناصری از رفتار بین فردی که همبستگی بیشتر و عمل جمعی مستحکم‌تر را تسریع می‌کند (حسین‌زاده بحرینی و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۰: ۳۱-۳۲). نقطه مقابل اعتماد، «بی‌اعتمادی» است و اگر مقوله اعتماد (بین مردم با یکدیگر، بین دولت و مردم، بین اجزای مختلف دولت و ...) جای خود را به بی‌اعتمادی بدهد، بسته به میزان این جایگزینی، سرمایه اجتماعی در آن جامعه کاهش یافته است. سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار قرین مخاطره و نگرانی است. در جوامعی که از لحاظ سرمایه اجتماعی غنی هستند و در زمینه اعتمادسازی میان کارگزاران اقتصادی با یکدیگر و با دولت موفق بوده‌اند، بخش قابل توجهی از مخاطره و نگرانی ذاتی سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار، به‌وسیله همین سرمایه اجتماعی مدیریت و کنترل می‌شود (حسین‌زاده بحرینی و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۳). در کنار سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری نیازمند تغییرات اجتماعی و فرهنگی خاصی است تا بر اساس این تغییرات، ارزش‌های اجتماعی حاکم در آن جامعه در مسیر تولید و صنعتی شدن پیش بروند. به طوری که با تغییر در کیفیت دستگاه‌های اداری، پرهیز از بوروکراسی (میرباقری هیر و سلاحورزی، ۱۳۹۵: ۱۰۵-۱۰۶) و ایجاد فرهنگ پس‌انداز و تولید می‌توان در جهت سرمایه‌گذاری حرکت کرد.

اقتصاددانان نیز با مطرح ساختن محیط نهادی کسب‌وکار به عرصه بحث سرمایه‌گذاری وارد شده‌اند. ماحصل بحث جامعه‌شناسان و اقتصاددانان نهادگرا این است که سرمایه‌گذاری در خلأ انجام نمی‌شود. شبکه بسیار پیچیده‌ای از ارتباطات میان مصرف‌کنندگان، بنگاه‌ها، مؤسسات و نهادهای دولتی و ... وجود دارد که «ظرف» سرمایه‌گذاری است. این ارتباطات که می‌تواند در اشکال رسمی و غیررسمی متبلور شود، به‌مثابه بستری است که کلیه رفتارهای اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری در درون آن تحقق می‌یابد. اصطلاح نوظهور اما به‌سرعت رواج‌یافته «محیط نهادی کسب‌وکار» به‌همین معنی اشاره دارد (حسین‌زاده بحرینی و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۰: ۳۳).

مؤلفه‌های سازنده محیط نهادی کسب‌وکار شامل: ۱) سیاست‌ها، قوانین و مقررات اعم از قوانین و مقررات جاری، قانون اساسی، قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های حاکم بر تدوین و اجرای آن‌ها که باید از ثبات نسبی و طول عمر معقول برخوردار باشند. همچنین قانونمند و قابل پیش‌بینی بودن تغییرات در سیاست‌ها و قوانین، این احساس را در آنان تقویت می‌کند که در محیطی «امن» و «پیش‌بینی‌پذیر» قرار دارند. ۲) ثبات سیاسی و دولت که در ادبیات مربوط، معمولاً ثبات سیاسی را به معنی قانونمند بودن تغییر دولت در نظر می‌گیرند. این تلقی از ثبات سیاسی گرچه غلط نیست، اما ناکافی است. مناسب‌تر آن است که در تعریف ثبات سیاسی، طول عمر دولت‌ها، و نیز طول عمر اجزای

دولت‌ها را نیز مدنظر قرار دهیم. ثبات مدیریت در سطوح میانی - اعم از وزارتخانه‌ها، ادارات کل، استانداری‌ها، شهرداری‌ها، دانشگاه‌های بزرگ و شرکت‌های مهم دولتی - جزء لاینفک ثبات سیاسی است. در محیط‌های کسب‌وکار ناامن، این پدیده کاملاً شایع است که متعاقب تغییر دولت، تغییرات وسیعی در سیاست‌ها و قوانین اتفاق افتد. (۳) امنیت حقوق مالکیت؛ در تمامی اقتصادها، موضوع حراست از حقوق مالکیت، مهم‌ترین دغدغه سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار را تشکیل می‌دهد. منشأ این نگرانی می‌تواند «رفتار مجرمانه شهروندان دیگر» و یا «رفتار غیرمسئولانه مقامات دولتی» باشد. بر این اساس، می‌توان یکی از مؤلفه‌های مهم محیط نهادی کسب‌وکار را نحوه حراست از حقوق مالکیت در قبال تعرض‌های شهروندان دیگر و مقامات دولتی دانست. (۴) خدمات عمومی و زیرساخت‌ها؛ دولت‌ها علاوه بر «تولید سیاست‌ها، قوانین و مقررات کارآمد»، «تأمین ثبات سیاسی جامعه» و «تأمین حقوق مالکیت شهروندان» - که بخش نرم‌افزاری وظایف حاکمیتی دولت را تشکیل می‌دهند - در بخش سخت‌افزاری هم وظایفی دارند. تأمین کلیه زیرساخت‌های موردنیاز فعالان اقتصادی که بخش خصوصی توان یا انگیزه کافی برای عرضه آن را ندارد، وظیفه سخت‌افزاری دولت در مسیر آماده‌سازی محیط نهادی کسب‌وکار است. تأمین آب، برق، ارتباطات، بهداشت، حمل‌ونقل، و ... بخش‌های مختلفی از وظایف سخت‌افزاری دولت‌ها هستند. بدیهی است کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در جامعه‌ای که فاقد استانداردهای لازم در این امور است چندان جذاب و نتیجه‌بخش نیست (حسین‌زاده بحرینی و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۰: ۳۶-۳۴).

پیشینه تحقیق

حسین‌زاده بحرینی و ملک‌الساداتی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در ایران» به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده محیط نهادی کسب‌وکار در ایران (همچون قوانین و سیاست‌ها، ثبات سیاسی و دولت و ...)، در قریب‌به‌اتفاق موارد، نسبت به کشورهای توسعه‌یافته و کل جهان در وضعیت نامناسب‌تری قرار دارند و بنابراین از موانع اصلی سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در کشور هستند. وفا و معمارزاده طهران (۱۳۹۳) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی موانع توسعه سرمایه‌گذاری زیربنایی در کشور» به این نتیجه رسیدند که موانع قانونی، تخصیص و جذب سرمایه‌گذاری، عدم توجه به زیرساخت‌های قانونی، موانع قانونی ثبت شرکت‌ها، عدم ثبات قوانین، شفاف نبودن قانون، عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری، قوانین تحریمی، قوانین بین‌المللی بانکی و قوانین تجارت جهانی به‌عنوان مهم‌ترین موانع قانونی در اجرای موفق سرمایه‌گذاری زیربنایی در کشور به شمار می‌روند. عسگریان و صدقی (۱۳۹۳) در «بررسی موانع سرمایه‌گذاری خصوصی در ورزش استان آذربایجان شرقی» به موانع مربوط به امور بانکی و موانع استفاده از ظرفیت‌های بالقوه تأکید می‌کنند.

صامتی و فرامرزپور (۱۳۸۳) هم در «بررسی موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی ایران» به این نتیجه رسیدند که نرخ تورم و ارزش افزوده مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران است. همچنین نتایج کار صفری علی‌اکبری و همکاران (۱۳۹۰) نیز نشان می‌دهد که بین سطح درآمد و تمایل به سرمایه‌گذاری رابطه‌ای وجود ندارد. بلکه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بیشتر تحت تأثیر عوامل دیگری مانند حمایت‌های دولتی از قبیل وام و آموزش‌های کارآفرینی و آینده‌شغلی قرار دارد.

احمدیان و همکاران (۱۳۹۲) نیز در تحقیقی با نام «شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه‌نیافتگی صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی» به این نتیجه رسیدند که موانع مالی و تسهیلاتی، مکانیزاسیون، ضعف در عوامل تولید، موانع قانونی و اداری و نیز موانع بازار بیشترین نقش و تأثیر را در نبود رشد و فقدان توسعه مطلوب صنایع تبدیلی شهرستان مرودشت داشته‌اند. نجفی و صفا (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که توسعه کسب‌وکارهای خانگی کارآفرینانه در مناطق روستایی با موانع و چالش‌های متعددی مواجه هستند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها شامل عدم وجود طرح کسب‌وکار مناسب، نبود تجربه و تخصص لازم در روستاییان، عدم دسترسی مناسب روستاییان به بازار، عدم دسترسی به اطلاعات و منابع اطلاعاتی، عدم تأمین اعتبار مالی برای سرمایه‌گذاری کسب‌وکار خانگی و وجود موانع قانونی بودند. پناهی و همکاران (۱۳۹۵)، به این نتیجه رسیدند که دو دسته عوامل در راه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی نقش دارند. یک دسته مربوط به عوامل درونی موجود در روستا (فقدان توانایی مدیریتی کارآفرینان، ضعف ارائه آموزش‌های اثربخش فنی و حرفه‌ای، مشخص نبودن اولویت‌های سرمایه‌گذاری، فراهم نبودن زیرساخت‌های فنی در روستا و ...) و دسته دوم با عوامل کارکرد نظام اقتصادی (تورم، رکودی و ...) مرتبط است که مشکلات زیادی را برای توسعه کارآفرینی ایجاد کرده است.

پویرسون^۱ (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای که به بررسی ۵۳ کشور توسعه‌یافته پرداخته، نتیجه گرفت که سرمایه‌گذاری خصوصی به شدت تحت تأثیر ریسک سلب مالکیت، درجه آزادی شهروندی و بوروکراسی قرار داشته و رشد اقتصادی نیز متأثر از ریسک سلب مالکیت، تروریسم سیاسی در کوتاه‌مدت، فساد و عدم پایداری به قراردادهای بلندمدت است. وی با در نظر گرفتن متغیرهای نهادی غیراقتصادی مانند: ثبات رهبری سیاسی، خطر بروز جنگ داخلی، چگونگی دیوان‌سالاری، بی‌اعتنایی به قراردادهای بوسیله دولت و خطر سلب مالکیت که حاصل جمع آنها را شاخص امنیت اقتصادی نامید، نقش تعیین‌کننده متغیرهای غیراقتصادی را در عملکرد سرمایه‌گذاری و رشد و توسعه مدیریت شهری و اقتصادی در مناطق مختلف نشان داده است (نقل از میرباقری هیر و سلاخورزی، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۰۲).

1 Poirson

موریسی و آدموکردمانگ‌کول^۱ (۲۰۱۲) نیز در مطالعه‌ای با بررسی داده‌های ۴۵ کشور در حال توسعه، به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌گذاری در کشورهایی با شاخص‌های حکمرانی خوب، بیشتر بوده و فساد و بی‌ثباتی سیاسی، مهم‌ترین موانع سرمایه‌گذاری هستند.

جمع‌بندی کلی از مطالعات پیشین نشان می‌دهد که در بخش موانع کلان و کلی، موانع قانونی و اداری، عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری، موانع مربوط به امور بانکی، کارکرد نظام اقتصادی و همچنین وضعیت ثبات اقتصاد کلان و حمایت‌های دولتی قرار دارند. در بخش موانع خرد و درون جوامع روستایی، موانع مالی و تسهیلاتی، موانع دسترسی به بازار، ضعف آموزش و همچنین زیرساخت‌ها قرار دارند. با این حال، این مطالعه سعی می‌کند که خلأهای تحقیقات دیگران را تکمیل کرده و عوامل و موانع سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار را به صورتی جامع ارائه کند. همچنین رویکرد اصلی این مطالعه کیفی بوده و با مراجعه به فعالان اقتصادی و صاحبان کسب‌وکار روستایی مناطق مرزی کشور و همچنین مسئولان، مدیران و کارشناسان بخش امور روستایی و اقتصادی استان‌های مرزی انجام شده است.

به‌طور کلی مرور ادبیات این تحقیق نشان می‌دهد که توسعه سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در مناطق مرزی روستایی، هم به بهبود محیط کسب‌وکار در سطح کلان و هم به ارتقای اعتماد و سرمایه اجتماعی به نحو مطلوب در میان مردم، کارگزاران و مردم و دولت در سطح خرد و میانی نیاز دارد.

روش تحقیق

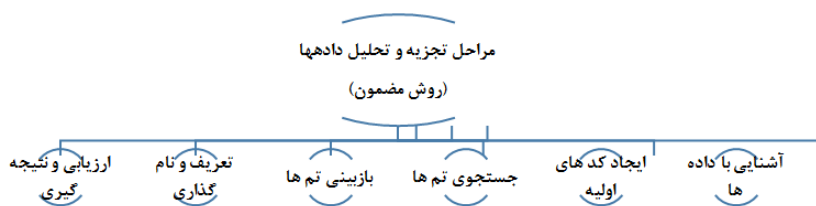
در این تحقیق از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز با توجه به اهداف پژوهش از فنون مصاحبه فردی و گروهی بهره برده شده است.

در این مطالعه با ۳۸ مشارکت‌کننده شامل کارآفرینان، فعالان و صاحبان کسب‌وکار روستایی مناطق مرزی کشور و همچنین مسئولان، مدیران و کارشناسان بخش امور روستایی و اقتصادی استان‌های مرزی کشور بوده‌اند مصاحبه انجام شد. مصاحبه‌ها از تاریخ ۱۵ الی ۱۸ اسفندماه ۱۳۹۶، و در سومین نمایشگاه توانمندی‌های روستاییان و عشایر که به همت معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم کشور برگزار شده بود، جمع‌آوری شده است (جدول ۱).

جدول ۱. اطلاعات مشارکت کنندگان

ردیف	مشارکت کننده
۱	کارشناس و سرپرست معاونت توسعه روستایی استانداری خراسان رضوی
۲	کارآفرین: حصیرباف؛ شهرستان دزفول، استان خوزستان
۳	کارشناس دفتر روستایی استانداری گیلان
۴	کارآفرین: گلیم فروش از شهرستان آستارا، روستای عنبران (استان گیلان)
۵	کارآفرین: تولیدکننده و فروشنده مواد غذایی و خانگی (پوشاک، زعفران و...)، روستای گسک، شهرستان درمیان، استان خراسان جنوبی
۶	بخشدار مرکزی شهرستان دزفول، استان خوزستان
۷	مدیرعامل تعاونی دهیاران؛ روستای دیرستان، بخش شهاب شهرستان قشم
۸	کارآفرین: تولیدات صنایع دستی ترکمن و عشایری روستایی، روستای تلکه قوز شهرستان رازوجرگلان استان خراسان شمالی
۹	محصولات غذایی خانگی؛ روستای گل افرا شهرستان بندرگز استان گلستان
۱۰	کارشناس دفتر امور روستایی استانداری کرمانشاه
۱۱	شرکت تعاونی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۱۲	محصولات خانگی و صنایع دستی، استان سیستان و بلوچستان
۱۳	فروش محصولات غذایی خانگی، استان سیستان و بلوچستان
۱۴	طراح و بافنده پوشاک، شهرستان بندرانزلی؛ استان گیلان
۱۵	اصلاح نژاد گاومیش؛ روستای هفت دغنان، شهرستان رضوانشهر؛ استان گیلان
۱۶	مسئول غرفه صندوق کارآفرینی امید
۱۷	کارشناس دفتر امور روستایی استانداری سیستان و بلوچستان
۱۸	تولیدکننده محصولات صنایع دستی و فرش دستباف؛ شهرستان تنگستان؛ استان بوشهر
۱۹	دهیار روستای گشی؛ شهرستان دیر؛ استان بوشهر
۲۰	فروش دستاوردها و تولیدات عشایری و روستایی؛ روستای زمان آباد؛ شهرستان مسجدسلیمان استان خوزستان
۲۱	فعال بخش صنایع دستی (چرم دوزی)؛ شهرستان درگز، استان خراسان رضوی
۲۲	تولیدکننده و فروشنده صنایع دستی؛ روستای لاین نو؛ شهرستان کلات؛ استان خراسان رضوی
۲۳	مجموعه بوم گردی؛ روستای کنگ شهرستان طرغی؛ استان خراسان رضوی
۲۴	فروش محصولات کشاورزی؛ شهرستان قوچان؛ استان خراسان رضوی
۲۵	تولیدکننده صنایع دستی؛ بخش سیه رود شهرستان جلفا؛ استان آذربایجان شرقی
۲۶	کارشناس مسئول گردشگری سازمان منطقه آزاد ارس
۲۷	بخشدار بخش سیه رود؛ شهرستان جلفا؛ استان آذربایجان شرقی
۲۸	مدیرکل امور روستایی و شوراهای استانداری اردبیل
۲۹	تولیدکننده صنایع دستی؛ شهرستان قوچان؛ استان خراسان رضوی
۳۰	تولیدکننده صنایع دستی؛ روستای محمودآباد؛ شهرستان خداآفرین؛ استان آذربایجان شرقی
۳۱	تولیدکننده زعفران ارگانیک؛ روستای ایلخانلار؛ شهرستان گرمی؛ استان اردبیل
۳۲	مدیرکل امور روستایی استان آذربایجان غربی
۳۳	معاون مدیرکل امور روستایی استان کردستان
۳۴	فعال بخش صنایع دستی و تولیدکننده؛ شهرستان ارومیه؛ استان آذربایجان غربی
۳۵	تولیدکننده صنایع دستی و فعال گردشگری؛ شهرستان سرپل ذهاب؛ استان کرمانشاه
۳۶	تولیدکننده و فروشنده فرش، گلیم و تابلوفرش؛ شهرستان ایوان؛ استان ایلام
۳۷	شرکت زنبورداری؛ روستای دیزج؛ شهرستان قره؛ استان کردستان
۳۸	فعال و تولیدکننده صنایع دستی؛ شهرستان مهاباد؛ استان آذربایجان غربی

داده‌های جمع‌آوری‌شده با روش کیفی تحلیل مضمون، تحلیل شده‌اند. تحلیل مضمون عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن پژوهشگر از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. حضور و نقش محقق در اجرا و به‌کارگیری روش تحلیل مضمون زیاد است. به‌همین دلیل گفته می‌شود که «در تحلیل مضمون، محقق مداخله و تفسیر بیشتری از خود در خصوص موضوع‌ها ارائه می‌کند» (گست^۱، ۲۰۱۲: ۱۱). تحلیل مضمون طبق نمودار زیر در شش مرحله اجرا می‌شود (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶: ۱۰۱-۷۷).



نمودار ۱. مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون

در این مطالعه در مرحله اول تحلیل مضمون، مصاحبه‌ها بر اساس سؤالات اساسی و یا ایده‌های اساسی و ارتباط موضوعات پیاده شد و ذیل هر سؤال یا ایده اصلی مصاحبه‌ها آورده شد. در مرحله دوم، کدهای اولیه داده‌ها استخراج شد. در مرحله سوم، کدهای مختلف زیر یک تم یا مضمون، مرتب یا خلاصه شد. این مرحله دسته‌بندی کدها بوده است که کدها به زیر چند مضمون آورده شدند. در مرحله چهارم، مضامین خلاصه‌تر شده و رابطه آن‌ها با مجموعه داده‌ها مورد توجه قرار گرفت. در مرحله پنجم نام‌گذاری مضامین و تعریف مفاهیم داخل آن‌ها صورت گرفت و در مرحله نهایی بر اساس مضامین به دست آمده نهایی، گزارش تهیه شد. بنابراین از مجموع ۱۴۳ کد اولیه (مرحله ۱ و ۲)، داده‌ها ذیل ۱۶ تم یا مضمون قرار گرفتند (مرحله ۳)، در نهایت مضامین مورد بازبینی قرار گرفته و ۹ تم یا مضمون اصلی ایجاد (مرحله ۴) و سپس نام‌گذاری مضامین و گزارش‌نویسی آن‌ها انجام شد (مراحل ۵ و ۶).

از آنجاکه در پژوهش‌های کیفی، بیشتر بحث اعتبار مدنظر است تا پایایی و این موضوع ریشه در ماهیت هستی‌شناسی و فلسفی پژوهش‌های کیفی دارد. لذا به منظور ارتقای اعتبار یافته‌ها از روش موردنظر اووه فلیک یعنی «باورپذیر کردن گزینشی» استفاده شده است. به اعتقاد فلیک (۱۳۸۷) یکی از روش‌های افزایش اعتبار «باورپذیر کردن گزینشی» است. منظور وی از اصطلاح مذکور، مستدل کردن متن با نقل‌قول‌هایی قابل قبول است. از این رو، در این پژوهش تلاش شده تا درون‌مایه‌های برآمده از

1 Guest

2 Braun & Clarke

داده‌های میدانی با استفاده از نقل قول‌های مستقیم از افراد مصاحبه‌شونده مستندسازی شده و با استفاده از این تکنیک اعتبار یافته‌ها ارتقا یابد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌ها به صورت مضامین اصلی یعنی وضعیت‌ها و موانع مشابه سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در مناطق روستایی مرزی کشور ارائه شده است. این وضعیت‌ها و موانع مشابه، مواردی بودند که نقطه‌های کلیدی برای توسعه سرمایه‌گذاری در روستاهای مرزی استان‌ها بودند و هرگونه تغییر و تحول در روستاهای مرزی استان‌ها منوط به ارائه مداخله حول این موضوعات بوده است.

دسترسی به تسهیلات و منابع مالی و اقتصادی

توسعه روستایی به تأمین اعتبار و سرمایه نیاز دارد و اتفاقاً یکی از مشکلات توسعه روستایی در کشور نبود سرمایه و اعتبار برای طرح‌های توسعه‌ای است. به هر دلیل تا به امروز روستاهای کشور نتوانسته‌اند محل تمرکز سرمایه باشند و این سرمایه صرف طرح‌های تولیدی، اشتغال و توسعه‌ای شود و بنابراین نیاز به حضور اعتبارات دولتی و عمومی، وام و تسهیلات برای شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی احساس می‌شود. اما فرایند دریافت وام و تسهیلات در مناطق مرزی کشور با مسائل و مشکلات متعددی روبرو است. ساکنین روستاهای مناطق مرزی با مشکلاتی همچون تأمین تضامین بانکی و عدم پذیرش سند روستایی مواجه هستند. «در خصوص تسهیلات بانکی برای روستاییان مشکلاتی وجود دارد. بخشی از این مشکلات در بحث ضمانت‌ها است. خانه‌های روستایی بایستی به‌عنوان ضمانت در بانک‌ها پذیرفته شوند». مشکلات مربوط به وثیقه بانکی و سند مالکیت برای این جامعه مشکل دسترسی به تسهیلات بانکی را پیچیده‌تر کرده است. تعاونی‌های روستایی نیز با مشکلاتی برای تأمین ضمانت روبرو هستند. در این ارتباط استفاده از ظرفیت صندوق‌های ضمانت همچون صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون و یا صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک پیشنهاد می‌شود.

علاوه بر این، نرخ سود تسهیلات بانکی برای روستاییان بالا است. همچنین در کنار بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی، در برخی مناطقی که اهل سنت سکونت دارند، با توجه به مسائل شرعی دریافت وام با نرخ سود را مورد پذیرش نمی‌دانند. «برخی دهستان مرزی چند قومی و چند مذهبی هستند و در دهستان‌هایی که اهل تسنن ساکن هستند، مردم اعتقادی به وام با سود حتی دو درصد هم ندارند». «در رابطه با تسهیلات اشتغال‌زایی مسئله‌ای که با آن درگیر هستیم، مسئله کارمزدها به دلیل مسائل قومی-

مذهبی است». از این رو برای برخی شهرستان‌ها با انجام ملاحظاتی به وام با نرخ سود صفر درصد به منظور حمایت از جامعه روستایی نیاز است.

همچنین روند بررسی و اعطای وام نیز علاوه بر وجود مسائل روابط دوستی و خویشاوندی در اعطای وام با مشکل طولانی بودن روند تصمیم‌گیری مواجه است. به‌طور کلی ماهیت تسهیلات بانکی در نظر گرفته شده برای روستاها با معیارها و شرایط جامعه شهری صورت می‌گیرد. بوروکراسی زیاد در روند دریافت تسهیلات بانکی و صرف زمان طولانی در دریافت آن از دلایل دلسردی افراد است. «مراحل ثبت‌نام تا دریافت تسهیلات بانکی طولانی است و در انتها اختصاص وام نیز قطعی نیست. مشکلات تهیه پروانه نیز برای واحدهای تولیدی روستایی دشوار است».

در ارتباط با سامانه کارا نیز برخی از رسته‌های کاری و شغلی در این سامانه در نظر گرفته نشده یا رسته‌ها مطابق با استعدادها و قابلیت‌های متفاوت مناطق مختلف کشور نیست.

مشکلات نهادی و قانونی در خصوص کسب مجوزهای لازم و ناهماهنگی دستگاه‌های محلی و استانی

از مسائلی که همواره به‌عنوان یکی از موانع تولید و اشتغال در روستاهای مرزی از آن نام برده می‌شود، وجود بوروکراسی‌های اداری و فرایند کسب مجوز است. «از مسائل موجود در منطقه وجود بوروکراسی‌های اداری است که جلوی تولید را می‌گیرد. به‌علاوه تصمیمات گرفته شده برای توسعه با طرح و ایده‌های ما انطباقی ندارد. در حقیقت واقع‌نگری صورت نگرفته است». «صدور مجوز برای احداث کارگاه‌های روستایی بسیار پیچیده است. بسیاری از طرح‌هایی که به بانک معرفی کرده‌ایم، به دلیل قوانین سخت و دست‌وپاگیر دلسرد شده و تاکنون موفق به گرفتن وام نشده‌اند».

موانع اداری و فرایندهای بوروکراسی در همه استان‌های مورد مطالعه قابل مشاهده بود. روستائیان به دلیل شیوه زندگی و زیست‌جهانی که در آن پرورش یافته و بزرگ شده‌اند، اصولاً از پیچیدگی گریزان هستند. چالش موانع اداری در فرایندهای اخذ مجوز و شروع یک کسب‌وکار در روستا و همچنین جذب اعتبار از بانک‌ها، آن‌ها را بعد از مدتی دلسرد کرده و از ادامه کار باز می‌دارد. ناهماهنگی‌هایی که بین دستگاه‌ها و ادارات مختلف وجود دارد موانعی اداری برای تأسیس کسب‌وکارها در مناطق روستایی ایجاد می‌کند. علاوه بر این ارجاعات مختلف به سازمان‌ها و ادارات مختلف، پیگیری کارها را با مشکل مواجه می‌کند.

بنابراین وجود قوانین دست‌وپاگیر در خصوص سرمایه‌گذاری و اخذ مجوزها از ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف، انگیزه سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاری سلب کرده است. «قوانین دست‌وپاگیر

در شهرستان در خصوص سرمایه‌گذاری و اخذ مجوزها مانع توسعه شده و انگیزه سرمایه‌گذاران را سلب کرده است. قوانین بین‌سازمانی هیچ هماهنگی و همخوانی باهم ندارند. هر کس به سلیقه خود قوانینی وضع می‌کند. باید همسان‌سازی قوانین برای دستگاه‌ها و سازمان‌ها صورت گیرد. دیدگاه تجاری در وزارتخانه‌ها حاکم شود».

نکته مهم دیگر، تمرکزگرایی در خصوص قوانین و فرایندها است که مسئولین استانی و شهرستانی در بسیاری از موارد توان تصمیم‌گیری نداشته و همه را به‌ناچار باید از مرکز استعلام کنند و آن‌ها نیز به شرایط منطقه آشنا نیستند. «مهم‌ترین عامل برای توسعه روستاها، تمرکززدایی است. برای طرح یک موضوع کوچک باید به تهران و استان نامه ارسال شود».

به‌طورکلی آنچه از برآیند مصاحبه‌ها حاصل می‌شود، در برخی استان‌ها شاهد یک نوع عدم همکاری و عدم هماهنگی در بین سازمان‌ها و ادارات هستیم. در بسیاری موارد با اعتماد به همدیگر و تسهیل فرایند کارها می‌توان بسیاری از کارها را جلو برد، ولی اگر به‌جای هماهنگی و همکاری، مانع‌تراشی وجود داشته باشد، کارها به جلو نخواهد رفت.

مشکلات مربوط به کمبود زمین و عدم تغییر کاربری اراضی

روستاها و استان‌ها غالباً در خصوص توسعه زمین در روستاها و همچنین طرح‌های هادی با مشکلاتی مواجه هستند. تغییر کاربری و اختصاص زمین برای احداث واحدهای مسکونی یا احداث کارگاه یا کارخانه، احداث مجتمع‌های رفاهی و تفریحی و مواردی از این‌دست، با فرایندهای پیچیده و استعلام‌ها و کسب مجوزهای زیاد از جانب سازمان‌ها و ادارات مختلف مواجه است و در بسیاری از موارد یا به نتیجه نمی‌رسد و یا فرایند آن شامل طولانی شدن زمان شده و موجب دل‌سردی روستاییان و سرمایه‌گذاران می‌شود. «در بحث واگذاری زمین به طرح‌های روستایی قوانین دست‌وپاگیر زیادی وجود دارد و لازم است که این قوانین تسهیل شوند. به‌طور مثال حدود ۲۰ استعلام از دستگاه‌های مختلف موردنیاز است». «در بعضی نقاط محدودیت‌های زمین‌های ملی داریم و در بعضی دیگر مشکل مالکیت زمین وجود دارد. هزینه تمام‌شده تغییر کاربری برای کشاورزان به‌قدری بالاست که فرد ترجیح می‌دهد همان کار کشاورزی را ادامه دهد».

همچنین یکی از مشکلات اصلی در این حوزه، عدم توجه به شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی مناطق مختلف کشور و همسان‌نگری در بحث واگذاری اراضی در کشور است. «در بحث امور اراضی همان قوانینی که کنار دریای خزر وجود دارد، در خراسان رضوی و روستایی که لب مرز زندگی می‌کند دقیقاً همانند سازمان جنگل‌ها و مراتع یکسان دیده و به‌طور یکسان

برخورد می‌کند. نیاز است که زمین برای سکونت مرزنشینان به‌صورت رایگان واگذار شود. طرح‌های هادی باید بلافاصله بعد از اتمام مدت‌زمان اجرایی، بازنگری شوند».

بنابراین یکی از مشکلات روستاهای مرزی در زمینه طرح‌های هادی روستایی است. «عمده‌ترین مشکل در روستاها، طرح‌های هادی هستند. هدف ما توسعه اشتغال روستایی است. اشتغال در روستاها نیز باتوجه به ظرفیت شهرستان، دامداری و دام‌پروری است. جهاد کشاورزی طرح‌های اشتغال ارائه می‌دهد ولی به دلیل اینکه طرح‌های هادی فقط در زمینه کاربری مسکونی تعریف شده‌اند، بنابراین برای فعالیت‌هایی مانند دامداری هیچ برنامه‌ای ارائه نمی‌کنند». علاوه بر این «تفکیک قطعات ۲۰۰ متری در طرح‌های هادی، سختی با توسعه دامداری و کشاورزی و رشد اشتغال ندارد». به‌طور کلی طرح‌های هادی روستایی اغلب دارای چهار چالش عمده هستند: (۱) مدت‌زمان زیادی است که از بازبینی طرح‌های هادی روستایی گذشته است و هنوز دوباره باتوجه به افزایش جمعیت و تغییر و تحولات روستایی، این طرح‌ها مورد بازبینی قرار نگرفته است (۲) این طرح‌ها منطبق با نیازهای مختلف اقلیمی مناطق و نیازهای مختلف روستائیان نیست و در آن به تفاوت‌های جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف توجهی نشده است. (۳) هماهنگی لازم در میان ادارات و سازمان‌ها در خصوص تهیه و تصویب طرح‌های هادی روستایی وجود ندارد و در نهایت (۴) به‌علت عدم تخصیص به‌موقع اعتبارات و بودجه، اغلب طرح‌های هادی روستایی به‌صورت ناقص اجرا می‌شوند.

۱. انعطاف در قوانین واگذاری زمین، به طرح‌های توسعه روستایی
۲. اختصاص فضاهای تولیدی و اشتغال در طرح‌های هادی روستایی
۳. تخصیص اعتبارات اجرایی برای اجرای طرح‌های هادی روستاهای مرزی
۴. تخصیص اعتبار برای تکمیل پروژه‌های ناقص طرح‌های هادی روستایی شهرستان‌های مرزی استان
۵. تخصیص اعتبار در خصوص بازنگری طرح‌های هادی

شهرستان‌های مرزی استان به دلیل قرارگیری در مناطق کوهستانی، یا زمین مناسب و کافی برای طرح‌های توسعه ندارند و یا اینکه بخش‌های مهمی از مساحت شهرستان‌ها جزء محدوده‌های منابع طبیعی، اراضی ملی و مناطق چهارگانه محیط‌زیست است که تغییر کاربری و ارائه مجوز در آن‌ها به‌سختی صورت می‌گیرد. در حال حاضر اغلب روستاها با مشکل کمبود زمین مواجه هستند. در برخی مناطق این مشکل ناشی از قرار گرفتن روستا در محدوده مناطق حفاظت‌شده محیط‌زیست و یا اراضی ملی است. در نتیجه نیاز ضروری به تأمین منابع مالی به منظور بازنگری طرح هادی روستاها (به‌خصوص در مناطق مرزی) و همچنین بازنگری در محدوده مناطق چهارگانه محیط‌زیست و به‌روزرسانی محدوده مناطق حفاظت‌شده باتوجه به تغییرات محیط‌زیستی صورت گرفته، ضروری به نظر می‌رسد. مشکلات بوروکراسی در خصوص ارائه مجوزهای لازم برای احداث کارخانه‌ها، مجتمع‌های گردشگری و مواردی

از این دست، در کنار مجوز تغییر کاربری زمین‌ها از موارد مهمی است که نیاز است در این خصوص شرایط شهرستان‌های مرزی لحاظ شود.

ضعف در تسهیلات و زیرساخت‌های روستاهای مناطق مرزی به خصوص جاده‌های دسترسی

وجود راه مناسب از جمله زیرساخت‌هایی است که نقش اساسی در توسعه یک منطقه ایفا می‌کند. بدون وجود راه مناسب، امکان توسعه سرمایه‌گذاری، تجارت، دادوستد، گردشگری، توسعه انسانی و ... امکان‌پذیر نیست. در شهرستان‌های مرزی کشور، مسئله راه به‌طور جدی وجود داشته و نیازمند توجه است. این موضوع هم شامل راه‌های ارتباطی شهرستان‌های مرزی با مرکز استان و هم راه‌های روستایی شهرستان‌های مرزی می‌شود.

همچنین به دلیل توپوگرافی خاص استان‌ها و مناطق مرزی، راه‌های دسترسی استان صعب‌العبور بوده و به خصوص در فصول سرد سال، با مشکلات زیادی در تردد مواجه هستند. همین وضعیت خاص جغرافیایی، ساخت، تجهیز، نوسازی، تعمیر، نگهداری و ... این راه‌ها را با مشکلات اعتباری و زمانی مواجه می‌کند. علاوه بر این امکان استقرار دکل‌های مخابراتی در موقعیت‌های مناسب و انتقال فیبرهای نوری و ... نیز با مشکل مواجه است که متعاقب آن دسترسی به مخابرات، تلفن همراه و اینترنت را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌کند.

نکته مهم این است که بخش مهمی از فرایند توسعه در روستاها، به امکان دسترسی به راه‌های ارتباطی و امکانات ارتباطاتی و اطلاعاتی وابسته است. بدون راه مناسب، عرضه محصولات کشاورزی تولیدشده به بازار به‌سختی و تأخیر صورت خواهد گرفت، همچنین امکان بازاریابی بدون اطلاعات وجود ندارد و مهم‌تر اینکه امکانات دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی را نیز با مشکل مواجه می‌کند. بدین صورت هم فرایند شکل‌گیری ارتباط کالایی بین شهر و روستا با مشکل مواجه می‌شود و هم امکان استفاده از خدمات رفاهی، اجتماعی و اقتصادی شهری برای روستاییان دشوار می‌شود.

خام فروشی و نبود امکانات فرآوری محصولات تولیدی روستایی

ضعف ظرفیت‌های زیربنایی، پایین بودن توان بخش خصوصی در مناطق مرزی استان‌ها برای سرمایه‌گذاری و مواردی از این دست باعث شده است که صنایع جنبی و وابسته به کشاورزی در مناطق روستایی شکل نگیرد. همچنین در زمینه بازاریابی برای محصولات کشاورزی نیز مشکل وجود داشته باشد. در واقع خام فروشی و نبود صنایع تبدیلی، فرآوری و بسته‌بندی مناسب باعث شده است که محصول نهایی موردپسند مشتری نباشد. «در حال حاضر اشتغال روستاهای استان به خاطر اشباع اقتصاد

سنتی (کشاورزی و دامداری) به سمت صنایع تبدیلی و گردشگری تغییر یافته است». باین حال «نیاز به فناوری‌های نوین در بخش‌های کشاورزی و دامداری و تولیدات جدید احساس می‌شود». اما برنامه‌ریزی جدی در ترویج طرح‌های خرد اشتغال‌زایی و خانگی در شهرستان‌های مرزی صورت نگرفته است. باوجود رواج برخی فعالیت‌های اقتصادی چون باغداری، زراعت و دامداری و زنبورداری و.. سبکه شکل توزیع و فرآوری محصول به‌طور سنتی که گاهی با بهره‌مندی از دانش بومی از مزیت‌هایی چون دوام، قابلیت ذخیره‌سازی و تسهیل مصرف، نیز برخوردار می‌شد، اما به طرح‌های خرد و خانگی که در اشتغال‌زایی و بالا بردن درآمد خانوارهای روستایی و شهری مؤثر است، توجه کمتری شده است.

طرح‌های خرد متعددی در حوزه‌های گیاهان دارویی و فراورده‌های دامی و لبنی نیز قابلیت اجرایی دارند. پوشش حمایتی این‌گونه طرح‌ها با توجه به تجربه‌ای که تاکنون در سطح کشور کسب شده است، نباید صرفاً محدود به اعطای تسهیلات شود و اجرای کارگاه‌های آموزشی و تقویت ارائه مشاوره در زمینه بازاریابی در رونق فعالیت‌ها و پیشرفت آن‌ها مؤثر خواهد بود.

طراحی و تعبیه و آموزش شیوه‌های سنتی و نیمه‌صنعتی فرآوری محصولات به‌منظور بالا بردن ماندگاری و نگهداری و حفظ ارزش تجاری، می‌تواند تا حدی ضعف شبکه حمل‌ونقل و ارتباطات را پوشاند. در این امر مسئله بسته‌بندی محصولات و محصولات فرآوری شده نیز حائز اهمیت است. تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاران محلی برای ایجاد واحدهای فرآوری محصولات کشاورزی از طریق ارائه آموزش‌های ترویجی، مهارتی و توانمندسازی و همچنین در نظر گرفتن اولویت‌های ارائه تسهیلات به واحدهای فرآوری و تولیدات جانبی اهمیت فراوانی دارد. همچنین کمک به شکل‌گیری تشکلهای تعاونی تولید و بسته‌بندی محصولات کشاورزی در روستاهای مرزی استان‌ها نقش مهمی در جلوگیری از خام‌فروشی دارد.

مشکلات بازاریابی و دسترسی به بازارهای فروش

یکی از مشکلات کسب‌وکار در مناطق مرزی، بازاریابی برای محصولات تولیدی و دسترسی به بازارهای فروش است. این مسئله به چند گونه مختلف بروز یافته است. در مواردی بازارهای داخلی و غرفه‌ها از محصولات تولیدی روستایی اشباع شده است و نیاز به بازارهای جدید وجود دارد. در یک بخش به‌دلیل عدم توسعه ساختارهای زیربنایی چون جاده و غیره، دسترسی به بازارهای فروش با مشکلاتی مواجه است. در بُعدی دیگر نبود بسته‌بندی‌های مناسب و خلاقانه، راه را برای صادرات محصولات بسته و باعث خام‌فروشی محصولات و فعالیت دلالت می‌شود. «نبود بسته‌بندی مناسب محصولات برای صادرات به کشورهای همسایه و خام‌فروشی محصولات به دلالت از مشکلات مهم بازاریابی در مناطق

مرزی است». «نقش زیاد دلالت در فروش و سود اندک برای تولیدکنندگان از جمله مهم‌ترین مسائل و چالش‌های مناطق روستایی است».

بنابراین بازاریابی از طریق فضای مجازی و برندسازی از نکات مهم در این بخش است. «بازاریابی ما از طریق فضای مجازی است و برندسازی انجام داده‌ایم». همچنین توجه به بازاریابی در کشورهای همسایه و تسهیل حضور تولیدکنندگان روستایی در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی می‌تواند این مسائل را تا حدودی حل کند. بنابراین حمایت از صادرات محصولات تولیدی و بازاریابی داخلی و خارجی از ضروریات کنونی در کشور است. افزایش حمایت‌های سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری باهدف حمایت از بازاریابی در بخش صنایع دستی و حذف فعالیت دلالت و تسهیل حضور تولیدکنندگان روستایی در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی باید گسترده‌تر از وضعیت فعلی باشد.

بازدهی پایین و ضعف آموزش و توانمندسازی روستایی

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی کشور، باوجود اینکه علاقه‌مندی به ایجاد کسب‌وکار و انجام فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد، و همچنین مناطق محل زندگی آن‌ها از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های زیادی برخوردار است، ولی به‌طور آشکاری از اینکه باید چه کاری را در وضعیت فعلی خود انجام دهند، چه کسب‌وکار و فعالیت اقتصادی را انجام دهند و اینکه در مرحله‌ای بالاتر، این کسب‌وکار را چگونه انجام دهند، شناخت و آگاهی لازم نداشتند. یعنی آن‌ها نه از توانایی‌های خود و نه از پتانسیل‌های پیرامون و منطقه خود آگاهی لازم را نداشتند و بنابراین به‌طور دقیق‌تر نمی‌دانستند که چه شغل و کسب‌وکاری را می‌توانند شروع کنند. بنابراین نیاز اساسی به آموزش‌های ترویجی و کارآفرینی در این مناطق احساس می‌شود. این آموزش‌ها در دو وجه باید وجود داشته باشند، ۱) در یک وجه اینکه بتوان بر اساس پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی که در مناطق مختلف وجود دارد، ظرفیت‌ها و انواع مشاغل و کارآفرینی را ارائه کرد و ۲) در وجه دیگر اینکه فرایند راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید چگونه باید باشد.

همچنین بخش دیگر آموزش‌ها باید شامل تجار و سرمایه‌گذاران محلی باشد چراکه آن‌ها در زمینه شناخت بازارهای فروش و باوجود بازار بزرگی چون عراق، آشنایی کافی نداشته‌اند و این موجب می‌شد بسیاری از تولیدات کشاورزی، باغی و به‌خصوص دامی و طیور، به‌دلیل عدم آگاهی از ذائقه، استانداردها و ... مراکز مصرفی به‌خصوص کشور عراق، این بازار را از دست بدهند.

در اینجا می‌توان با همکاری بخش ترویج سازمان جهاد کشاورزی استان و شهرستان‌ها و همچنین سازمان فنی و حرفه‌ای، مشاغل لازم و دارای اولویت را مشخص و با یک برنامه مدون و

مشخص در روستاها ارائه کرد. در این بخش نیز باید با اولویت قرار دادن جوانان و زنان و ایجاد موج‌های کارآفرینی فضای رشد و توسعه را برای این قشرها مساعدتر کرد.

علاوه بر این در خصوص شیوه‌های جدید تولید، علوم و فنون جدید در کشاورزی آموزش‌هایی ارائه نمی‌شود. «ارتقای آگاهی تولیدکنندگان برای افزایش بهره‌وری تولید، ترویج علوم و فنون کشاورزی که باعث افزایش بهره‌وری و تولید محصولات کشاورزی می‌شود. کمبودهایی در این زمینه در شهرستان وجود دارد و در این خصوص کارگاه آموزشی برگزار نمی‌شود».

بنابراین آموزش‌های ارائه‌شده هم از سوی بخش ترویج سازمان جهاد کشاورزی و هم سازمان فنی و حرفه‌ای دارای نقصان است.

«رسالت اصلی سازمان فنی و حرفه‌ای، آموزش است. اگر بخواهیم آموزش فنی و حرفه‌ای را به دو قسمت تقسیم کنیم شامل آموزش‌های ثابت و آموزش روستایی است. آموزش روستایی برای سازمان اهمیت زیادی دارد. اعتباراتی برای این نوع آموزش تخصیص یافته و سالانه به حدود ۲ میلیون نفر آموزش داده می‌شود. ... این آموزش که در راستای کمک به اشتغال‌زایی است تاکنون ثمره‌ای نداشته که دلیل آن این است که سازمان برنامه‌ای برای آموزش ندارد. از طرف دیگر کسانی که آموزش می‌بینند نیز برنامه‌ای ندارند و از روی بیکاری آموزش می‌بینند. طرحی هم برای اشتغال مطرح نیست و متقاضیان رغبتی در این زمینه ندارند و سعی نمی‌کنند امکانات مدرن و یا نیروی ماهر خود را به روستاها ببرند. پیشنهاد ما این است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هدفمند باشد. یعنی سازمان به سرمایه‌گذاران و کارآفرینان در مناطق روستایی خدمات رایگان جهت آموزش نیروی انسانی ارائه دهد. ... آموزش‌ها باید هدفمند بوده و مرتبط با پتانسیل‌های هر منطقه بوده و بر این اساس اعتبار بگیرند».

باتوجه به مباحث مطرح‌شده، سازمان‌های دخیل ذکرشده، برنامه منسجمی برای آموزش در بخش‌های مختلف روستایی نداشته و مربیان خوب و ماهر برای آموزش حاضر به حضور در روستاها نیستند. از طرف دیگر بخش‌های ترویجی نیز کارایی مناسب برای ارائه آموزش‌های کاربردی و به‌روز در بخش‌های اقتصاد روستایی نداشته و کیفیت آموزش فدای کمیت آن شده است. بازنگری در اهداف و چشم‌اندازهای این دو نهاد آموزشی بر اساس نیازهای روز جامعه روستایی کشور ضرورت دارد. بنابراین لازم است که این آموزش‌ها در سه وجه وجود داشته باشند، در یک وجه بتوان علوم و فنون جدید در خصوص کشاورزی و افزایش بهره‌وری را به کشاورزان ارائه کرد. در وجه دیگر بتوان بر اساس پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی که در مناطق مختلف وجود دارد، ظرفیت‌ها و انواع مشاغل و کارآفرینی را ارائه کرد و در وجه سوم اینکه فرایند راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید چگونه باید باشد.

برجسته نبودن مزیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی / سیاست‌های تشویقی و حمایتی از تولید در مرز

در طول سالیان گذشته مناطق روستایی نتوانستند آن‌چنان‌که باید و شاید محل تجمع و تمرکز سرمایه باشند و همواره سرمایه‌ها نیز راه شهرها و مناطق مرکزی را در پیش گرفته و از روستاها خارج شده‌اند. همواره روستائیان به دلیل نداشتن چشم‌انداز مثبت به کسب‌وکار و آینده روستا، سرمایه‌های خود را به شهرها منتقل کرده و در آنجا در بخش‌های املاک و مستغلات و مواردی از این دست سرمایه‌گذاری می‌کنند. علاوه بر این به دلیل عقب‌ماندگی‌های روستاها و قیمت پایین تولیدات روستایی، سرمایه‌ها نتوانسته‌اند در روستاها متمرکز شوند. بنابراین برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید در روستاها یا توسعه فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، باغداری، گردشگری و یا هر فعالیت دیگر به تأمین سرمایه و اعتبار نیاز است که از عهده روستائیان خارج است.

بنابراین سه موضوع در اینجا قابل مشاهده است: (۱) کمبود سرمایه در روستاها و عدم تمرکز سرمایه در روستاها (۲) مسئله تأمین اعتبار و نقدینگی برای طرح‌های توسعه و (۳) عدم رغبت سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران بومی و غیربومی برای سرمایه‌گذاری در روستاهای مناطق مرزی.

در حال حاضر سیاست‌های تشویقی برجسته‌ای برای مناطق مرزی از لحاظ تشویق به تولید وجود ندارد. بالا بودن هزینه‌های تولید در این مناطق به خصوص در بخش دسترسی به بازار فروش، قدرت رقابت تولیدکنندگان در مناطق مرزی را با سایر مناطق کشور کاهش داده است. به عبارتی مزیت رقابتی این مناطق تحت تأثیر هزینه‌های بالای تولید، بازاریابی و فروش سرکوب شده است. مزیت‌دار کردن زندگی در مناطق مرزی به خصوص مزیت‌دار کردن سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در نقاط مرزی مهم‌ترین کلید برای اقتصادی کردن زندگی روستایی و ماندگار کردن جمعیت در مناطق مرزی است. در این خصوص تعرفه‌ها (تعرفه خدمات مختلف دولتی)، معافیت‌ها و مشوق‌های دولتی می‌توانند راهگشای اصلی باشند. همچنین دولت می‌تواند با ارائه بسته‌های توسعه سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در مناطق روستایی، کسب‌وکار و فعالیت اقتصادی را در این مناطق مزیت‌مند کند. «در کل سرمایه‌گذار نیازمند انگیزه است»، «دولت می‌بایست معافیت‌های چشمگیر مالیاتی برای سرمایه‌گذاران در نظر گیرد و امکاناتی مانند زمین، آب و ... رایگان در اختیار آنان قرار دهد»، «دولت هزینه‌های کسب‌وکار را پایین بیاورد، هزینه‌های انشعابات آب، برق و گاز و ... را به‌طور چشمگیری کاهش دهد. استعلام‌ها به‌جای مرکز استان در شهرستان‌ها صورت پذیرد. نرخ سود تسهیلات در مناطق مرزی حداقل نصف سایر مناطق باشد. حق بیمه کارفرما در مناطق مرزی تماماً توسط دولت پرداخت شود».

به‌طور کلی، ارائه بسته‌های تشویقی برای تولیدکنندگان مستقر در مناطق مرزی (بر اساس تعریف وزارت کشور از مناطق مرزی یا بر اساس ملاحظات منطقه‌ای) از جمله معافیت مالیاتی برای

سرمایه‌گذاری و یا فعالیت‌های تولیدی فعلی، پرداخت حق بیمه کارفرما توسط دولت، کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی به صفر درصد، عدم دریافت عوارض برق روستایی (که از سال گذشته مجدداً از روستائیان دریافت می‌شود)، کاهش تعرفه آب روستایی، تسهیل ارائه تسهیلات بانکی به عشایر ساکن در مناطق مرزی باتوجه به مشکل تأمین وثیقه، ارائه مشوق‌های لازم به منظور نوسازی سیستم‌های نوین آبیاری در مناطق مرزی و در نهایت افزایش حمایت‌های دولتی از بازاریابی تولیدات مناطق مرزی از جانب دولت پیشنهاد می‌شود.

بن‌بست‌های مرزی و مسائل بازارچه‌ها

تفاوت زیادی از لحاظ نوع و کارکرد مرزهای کشور در خصوص قابلیت استفاده و یا نوع ارتباطات بین-مرزی قابل مشاهده است. بن‌بست مرزی متناسب با روابط بین دولت‌ها، مسائل و نیازهای اقتصادی، مسائل امنیتی و ... است. به‌طور کلی ساکنان مناطق مرزی غرب و شمال غرب کشور در ارتباط با اقتصاد و روابط مرزی هستند و مرزهای شرقی و شمال شرقی کشور باتوجه به مسائل سیاسی-امنیتی روابط بین مرزی کمی داشته و بدین صورت حداقل به‌طور مستقیم برای ساکنان مناطق مرزی و روستاهای مرزی مزیتی نداشته است. البته تفاوت‌هایی نیز در بین شهرستان‌های مرزی یک استان قابل مشاهده است؛ برای مثال در استان خراسان رضوی، شهرستان‌های درگز، تایباد و قوچان بیشترین استفاده را از مزیت مرز داشته و سایر شهرستان‌ها هیچ‌گونه ارتباطات و مراودات مرزی ندارند یا در استان آذربایجان شرقی، شهرستان جلفا بیشترین استفاده را از مزیت مرز داشته و شهرستان خداآفرین هیچ‌گونه ارتباطات و مراودات مرزی ندارد. از این رو تعریف کارکرد مرزها و ارتباطات مرزی باید با نگاه به بهره‌مند شدن روستاهای مرزی برای استفاده از پتانسیل‌های مرز (گمرک، بازارچه مرزی و ...) باشد.

در اینجا اهمیت رایزنی در سطوح بالای حاکمیتی و سیاست‌گذاری کلان واضح و مبرهن است. همچنین ایجاد ساختارهای زیربنایی لازم برای چنین مراوداتی باید پیش‌بینی و ایجاد شود. راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی و همچنین تسهیل مبادلات و مراودات مرزی از راهکارهای مهم در این زمینه است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق به بررسی موانع و چالش‌های سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در مناطق مرزی روستایی ایران پرداخته شده است. واقعیت این است که مناطق مرزی روستایی کشور از سطح توسعه‌یافتگی پایینی به نسبت مناطق مرکزی برخوردار هستند و بنابراین نیاز به سرمایه‌گذاری و ایجاد کسب‌وکارهای جدید و نوآورانه در آن‌ها احساس می‌شود.

این مطالعه که با شیوه کیفی و با بهره‌گیری از مصاحبه عمیق و در پاره‌ای موارد با مصاحبه گروهی از کارآفرینان و مسئولین کسب‌وکارهای استان‌های مرزی انجام شده است، -درعین‌حال از یافته‌های پیشین مراجعه‌های محقق به مناطق مرزی کشور نیز بهره برده است- سعی در ارائه‌ای جامع از چالش‌های سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در مناطق روستایی مرزی کشور و از چشم‌انداز کارگزاران توسعه و سرمایه‌گذاران محلی دارد.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که موانع سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی روستایی کشور، در چهار بخش اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، نهادی و کالبدی و دسترسی قرار دارند (جدول ۲).

جدول ۲. حوزه‌ها و قلمروهای موانع سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در مناطق مرزی روستایی ایران

ردیف	موانع سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار	حوزه/ قلمرو موانع
۱	دسترسی به تسهیلات و منابع مالی و اقتصادی	اقتصادی
۲	مشکلات نهادی و قانونی در خصوص کسب مجوزهای لازم و ناهماهنگی دستگاه‌های محلی و استانی	نهادی
۳	مشکلات مربوط به کمبود زمین و عدم تغییر کاربری اراضی	نهادی
۴	ضعف در تسهیلات و زیرساخت‌های روستاهای مناطق مرزی به‌خصوص جاده‌های دسترسی	کالبدی و دسترسی
۵	خام‌فروشی و نبود امکانات فرآوری محصولات تولیدی روستایی	اقتصادی
۶	مشکلات بازاریابی و دسترسی به بازارهای فروش	اقتصادی
۷	بازدهی پایین و ضعف آموزش و توانمندسازی روستایی	اجتماعی- فرهنگی
۸	برجسته نبودن مزیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی/ سیاست‌های تشویقی و حمایتی از تولید در مرز	اقتصادی/ نهادی
۹	بن‌بست‌های مرزی و مسائل بازارچه‌ها	نهادی

در بخش اقتصادی چهار مانع و چالش اساسی قرار دارد که شامل «دسترسی به تسهیلات و منابع مالی و اقتصادی»، «خام‌فروشی و نبود امکانات فرآوری محصولات تولیدی روستایی»، «مشکلات بازاریابی و دسترسی به بازارهای فروش» و «برجسته نبودن مزیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی/ سیاست‌های تشویقی و حمایتی از تولید در مرز» قرار دارند. دسترسی به تسهیلات و منابع مالی و اقتصادی در کارهای عسگریان و صدقی (۱۳۹۳)، صفری علی‌اکبری و همکاران (۱۳۹۰)، احمدیان و همکاران (۱۳۹۲) و نجفی و صفا (۱۳۹۳) مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین مشکلات بازاریابی و دسترسی به بازارهای فروش نیز در کار نجفی و صفا (۱۳۹۳) مورد نظر قرار گرفته است.

در بخش اجتماعی- فرهنگی، مانع و چالش اساسی در «بازدهی پایین و ضعف آموزش و توانمندسازی روستایی» است که با کار نجفی و صفا (۱۳۹۳) و پناهی و همکاران (۱۳۹۵) مطابقت دارد. در بخش نهادی نیز چهار مانع و چالش اساسی شامل «مشکلات نهادی و قانونی در خصوص کسب مجوزهای لازم و ناهماهنگی دستگاه‌های محلی و استانی»، «مشکلات مربوط به کمبود زمین و عدم تغییر کاربری اراضی»، «برجسته نبودن مزیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی/ سیاست‌های تشویقی و حمایتی از تولید در مرز» و «بن‌بست‌های مرزی و مسائل بازارچه‌ها» قرار دارد. چالش

مشکلات نهادی و قانونی در خصوص کسب مجوزهای لازم و ناهماهنگی دستگاه‌های محلی و استانی به نحوی در کارهای وفا و معمارزاده طهران (۱۳۹۳) و احمدیان و همکاران (۱۳۹۲) اشاره شده است و برجسته نبودن مزیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی/ سیاست‌های تشویقی و حمایتی از تولید در مرز نیز تا حدودی در کار احمدیان و همکاران (۱۳۹۲) موردنظر قرار گرفته است.

در بخش کالبدی و دسترسی نیز «ضعف در تسهیلات و زیرساخت‌های روستاهای مناطق مرزی به‌خصوص جاده‌های دسترسی» قرار دارد که با یافته‌های پناهی و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد. نتایج این تحقیقی نشان می‌دهد که بخش مهمی از مسائل و چالش‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی روستایی کشور در مسائل نهادی و قانونی ریشه دارد و با اصلاح یا تدوین قوانین جدید یا حتی شیوه‌نامه‌های جدید قابل‌حل است. همچنین بخش دیگر که مربوط به چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نیاز داشته و در کوتاه‌مدت و میان‌مدت قابل‌حل هستند، البته به شرطی که دارای برنامه‌های اجرایی و مداخلات مشخص و معینی باشند. به‌طورکلی و باتوجه‌به نتایج تحقیق پیشنهادهای زیر برای برنامه‌ریزی در این زمینه توسط سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان توسعه مطرح می‌شوند:

۱. لازم است هماهنگی‌های بین‌سازمانی در توسعه روستاهای مرزی ایجاد شود. این هماهنگی به‌خصوص در زمینه ارائه مجوزها، طرح‌های هادی روستایی، واگذاری زمین و مواردی از این دست دارای اهمیت است.
۲. در نظر گرفتن تسهیلات با نرخ سود پایین برای مناطق مرزی و همچنین برای برخی از شهرستان‌ها (شهرستان‌های اهل تسنن) با انجام ملاحظاتی نیاز به وام با نرخ سود صفر درصد در جهت حمایت از جامعه روستایی است.
۳. تسهیل در روند بررسی و اعطای وام در روستاهای مرزی کشور. به‌طورکلی ماهیت تسهیلات بانکی در نظر گرفته‌شده برای روستاها با معیارها و شرایط جامعه شهری صورت می‌گیرد. بوروکراسی زیاد در روند دریافت تسهیلات بانکی و صرف زمان طولانی در دریافت آن باعث دلسردی افراد می‌شود.
۴. توجه به زیرساخت‌های روستایی چون راه‌های دسترسی و توسعه امکانات ارتباطی و اطلاعاتی در روستاهای مرزی کشور
۵. تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاران محلی برای ایجاد واحدهای فراوری محصولات کشاورزی از طریق ارائه آموزش‌های ترویجی، مهارتی و توانمندسازی و همچنین در نظر گرفتن اولویت‌های ارائه تسهیلات به واحدهای فراوری و تولیدات جانبی
۶. بازنگری در اهداف و چشم‌اندازهای دو نهاد آموزشی (سازمان فنی و حرفه‌ای و بخش ترویج سازمان جهاد کشاورزی) بر اساس نیازهای روز جامعه روستایی کشور
۷. مزیت دار کردن زندگی در مناطق مرزی به‌خصوص مزیت‌دار کردن سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در نقاط مرزی مهم‌ترین کلید اقتصادی کردن زندگی روستایی و ماندگار کردن جمعیت در مناطق مرزی است. دولت می‌تواند با ارائه بسته‌های توسعه سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در مناطق روستایی، کسب‌وکار و فعالیت اقتصادی را در این مناطق مزیت‌مند کند.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و موسوی، میرنجف و کاظمی‌زاد، شمس‌اله (۱۳۹۱). تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱، صص ۲۱۴-۲۳۵.
- ابزری، مهدی، صمدی، سعید و تیموری، هادی (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر ریسک و بازده سرمایه‌گذاری در محصولات مالی. روند، شماره ۵۴ و ۵۵، صص ۱۵۲-۱۲۳.
- احمدیان، مهدی، قنبری، یوسف، اصلانی سنگده، بیتا، عزیزی، حسین (۱۳۹۲). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه‌نیافتگی صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان مرودشت). پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۴، صص ۱۵۲-۱۲۵.
- استراوس، انسلم و کریین، جولیت (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- امینی، محمدتقی؛ سیادت، سعیده و پیرعلی، علی‌رضا (۱۳۹۱). بررسی چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی ایران (مطالعات موردی استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان). همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۹۱.
- بهشتی، محمد باقر، محمدزاده، پرویز، جمشیدی، عذرا (۱۳۹۷). بررسی نابرابری‌های توزیع درآمد میان استان‌های ایران با استفاده از رویکرد تحلیل اکتشافی داده‌های فضایی. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۶، شماره ۸۵، صص ۱۵۰-۱۰۹.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۵). جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی. ترجمه: افشین خاکباز و حسین پویان به کوشش کیان تاجبخش، تهران: نشر تیرازه.
- پرنیان، حاتم؛ زیاری، کرامت‌الله؛ میره‌ای، محمد و مدیری، مهدی (۱۳۹۶). استراتژی‌های توسعه مناطق مرزی با رویکرد آمایش سرزمین (ناحیه مطالعاتی: ارومیه - سلماس). فصلنامه علمی-پژوهشی اطلاعات جغرافیایی، دوره ۲۶، شماره ۱۰۴، زمستان ۱۳۹۶، ۱۷۳-۱۸۴.
- پناهی، لیلا، پیشرو، حمداله، شاهقلی، محمدصادق (۱۳۹۵). بررسی موانع کارآفرینی در مناطق روستایی شهرستان مرودشت در جهت کاهش بیکاری. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال ۱۳، شماره ۵۰، صص ۱۲۰-۱۰۷.
- پور اصغر سنگاچین، فرزاد، صالحی، اسماعیل، دیناروندی، مرتضی (۱۳۹۱). سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی. مجله علمی-پژوهشی آمایش سرزمین، دوره ۴، شماره ۲.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی. ترجمه: افشین خاکباز و حسین پویان، نشر تیرازه.
- وزارت کشور ج.ا.ایران (۱۳۹۵). تقسیمات کشوری ایران. وزارت کشور ج.ا.ایران.
- جلائی اسفندیاری، سید عبدالمجید، صمیمی، سپیده (۱۳۹۳). بررسی موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران (در راستای سیاست‌های کلی ابلاغی نظام). فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره هفتم، صص ۱۰۹-۸۹.
- حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین و ملک‌الساداتی، سعید (۱۳۹۰). موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در ایران. پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۹، تابستان ۱۳۹۰، صص ۲۵-۵۵.

- حیدری مکرر، حمید و احمدی، غزاله (۱۳۹۰). چالش‌های ریسک سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی سیستان. *اندیشه جغرافیایی*، سال ۵، شماره ۱۰، صص ۷۵-۶۱.
- دودانگی، محمد (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۶، شماره ۲۳، صص ۱۴۷-۱۳۱.
- رحمانیان کوشکی، مهدی، مهدوی حاجیلویی، خالدی، شهریار (۱۳۹۵). تحلیل عوامل پیش برنده و موانع فرآوری توسعه کارآفرینی روستایی با تأکید بر صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی (بخش کامفیروز، شهرستان مرودست). *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال ۹، شماره ۱، صص ۷۰-۵۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵*. مرکز آمار ایران.
- سویزی، محسن؛ محمدی، فریبرز (۱۳۹۰). نقش سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت سرمایه‌گذاری. *فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری*، سال ۲، شماره ۳، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۴۶-۱۱۹.
- صالحی، محمدجواد (۱۳۹۷). رتبه‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی و سرمایه انسانی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۲۴، شماره ۱، صص ۴۹-۲۷.
- صامتی، مجید و فرامرزی، بیتا (۱۳۸۳). بررسی موانع سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۲، شماره ۴۵، بهار ۱۳۸۳، صص ۹۱-۱۱۲.
- صفری علی‌اکبری، مسعود، کادوانی، پرویز، مرادی، فرزاد (۱۳۹۰). تعیین زمینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای توسعه فعالیت‌های صنایع روستایی در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی)*، دوره ۶، شماره ۱۶، صص ۶۹-۵۲.
- عسگری، مهدی و عدالت‌زیننده (۱۳۹۳). *سرمایه‌گذاری اقتصادی در مناطق مرزی و تأثیر آن بر حوزه امنیت*. همایش ملی مرزن‌شنی توسعه پایدار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، شهرستان پارس‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس‌آباد مغان.
- عسگریان، فریبا، صدقی، شبنم (۱۳۹۳). بررسی موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ورزش استان آذربایجان شرقی. *دوفصلنامه مدیریت و توسعه ورزش*، شماره ۱ (پیاپی ۴)، صص ۸۱-۶۹.
- عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران. *مجله باغ نظر*، سال ۶، شماره ۱۲، صص ۷۶-۵۷.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- فتح‌اللهی، جمال، کفیلی، وحید، تقی‌زادگان، علی‌رضا (۱۳۹۶). شکاف توسعه استان‌های ایران. *دوفصلنامه علمی-تخصصی پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی*، سال ۶، شماره ۱، صص ۱۱۸-۹۹.
- فراهانی، حسین، عینالی، جمشید، عبدلی، سمیه (۱۳۹۲). ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه نواحی روستایی؛ مطالعه موردی؛ دهستان مشهد میقان شهرستان اراک. *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال سیزدهم، شماره ۲۹، صص ۵۰-۲۷.
- فیروزآبادی، احمد، ایمانی، حسین (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی-اجتماعی در شهر تهران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ۶ شماره ۲۳.

- فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رضایی، تهران: انتشارات کویر.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۵). نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی. ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان به کوشش کیان تاجبخش، تهران: نشر تیرازه.
- محمدپور زرنندی، حسین و طباطبایی مزدآبادی، سیدمحسن (۱۳۹۱). تأثیر جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و مشارکت‌های مردمی بر توسعه پایدار شهری. فصلنامه اقتصاد شهر، ۴ (۱۵)، ۲۳-۱۲.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). روش پژوهش کیفی ضد روش ۱. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- میرباقری هیر، میرناصر، سلاهورزی، میثم (۱۳۹۵). موانع جذب سرمایه‌گذاری در حوزه شهری (مورد مطالعه: استان لرستان). فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، سال ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، صص ۱۱۴-۱۰۱.
- میری، غلامرضا، جوان، جعفر، افراخته، حسن، ولایتی، سعیدالله، شایان، حمید (۱۳۸۹). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: منطقه پشت آب سیستان). مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۴، صص ۴۹-۲۹.
- نجفی، بهمن، صفا، لیلیا (۱۳۹۳). بررسی کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه و مانع و چالش‌های توسعه آنها در مناطق روستایی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد اول، شماره دوم، صص ۷۳-۶۱.
- وحدتی‌پور، عسگر و حیدری، یوسف (۱۳۹۳). فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی ایجاد بازارچه‌های مشترک مرزی. همایش ملی مرزنشینی توسعه پایدار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، شهرستان پارس آباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس آباد مغان.
- وفا، مهرداد و معمارزاده طهران، غلامرضا (۱۳۹۳). بررسی موانع توسعه سرمایه‌گذاری زیربنایی در کشور. مطالعات کمی در مدیریت، سال ۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱-۱۴.

Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3(2)

Corral, Leonardo & Reardon, Thomas (2001). Rural non-farm incomes in Nicaragua. *World Development*, 29: 427-442.

Guest, Greg (2012). *Applied Thematic Analysis*. SAGE Publications, Inc,

Havnevik, K., Harsmar, M., & Sandstrom, E. (2003). Rural development and the private sector in sub-Saharan Africa: Evaluation of SIDAs experiences and approaches in the 1990s. Department for Evaluation and Internal Audit, SIDA, Stockholm.

Kristiansen, Stein (2007). Entry Barriers in Rural Business: The Case of Egg Production in Eastern Indonesia. *Journal of Entrepreneurship*, 16(1):53-76.

Morrissey, Oliver & Udomkerdmongkol, Manop (2012). Governance, Private Investment and Foreign Direct Investment in Developing Countries. *World Development*, 40 (3): 437-445.

Woldenhanna, T. & Oskam, A. (2001). Income diversification and entry barriers: Evidence from the Tigray region of northern Ethiopia. *Food Policy*, 26: 351-65.